

تحلیل گزیده‌هایی از زیارت‌نامه حضرت علی اکبر علیه السلام

دکتر محمد رنجبرحسینی^۱

مسلم محمدیان^۲

چکیده

از برجسته‌ترین افراد حاضر در قیام کربلا، حضرت حضرت علی اکبر علیه السلام فرزند امام حسین علیه السلام است که کتاب‌های تاریخی و مقاتل به ذکر مناقب و ویژگی‌های ایشان پرداخته‌اند.

از جمله منابعی که از سوی امام صادق علیه السلام در وصف آن بزرگوار به دست ما رسیده، زیارت‌نامه اوست که در خلال زیارت پدر بزرگوارش توسط مرحوم ابن قولویه در کتاب کهن کامل الزیارات نقل شده است. این زیارت‌نامه آموزه‌ها و مضامین دینی بسیاری دارد. در نوشتار پیش رو پس از بررسی اجمالی اعتبار مصدري زیارت‌نامه حضرت علی اکبر علیه السلام و شخصیت ایمانی ایشان، با روش توصیفی - تحلیلی و شیوه کتابخانه‌ای، به تحلیل محتوایی گزیده‌هایی از این زیارت‌نامه پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: حضرت علی اکبر علیه السلام، تحلیل محتوایی، تولی و تبری، آثار زیارت.

۱. عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه قرآن و حدیث (ranjbarhosseini@gmail.com)
۲. کارشناس ارشد علوم حدیث گرایش کلام و عقاید دانشگاه قرآن و حدیث (moslem.mdian@gmail.com)

۱. مقدمه

حضرت علی اکبر علیه السلام بنا به روایتی در یازدهم شعبان سال ۳۳ یا ۴۳ قمری در مدینه منوره دیده به جهان گشود. پدرگرامی اش امام حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام و مادر محترمه اش لیلی بنت ابی مرّه بن عروه بن مسعود ثقفی است (اصفهانی، ۱۴۰۸: ۵۲). درباره شخصیت علی اکبر علیه السلام گفته شده که وی جوانی خوش چهره، زیبا، خوش زبان و دلیر بود و از جهت سیرت و صورت شبیه ترین مردم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شمار می رفت و شجاعت و ورزشدگی را از جدش علی بن ابی طالب علیه السلام به ارث برده بود (ابن طاووس، ۱۳۷۸: ۱۳۹).

ایشان در دامان و مکتب امام حسین علیه السلام تربیت یافت. وی نخستین شهید بنی هاشم در روز عاشورا بود و در زیارت شهدای معروفه نیز آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ قَتِيلٍ مِنْ نَسْلِ خَيْرِ سَلِيلٍ؛ (خوارزمی، ۱۴۱۸: ۲/۳۴)
سلام بر توای اولین کشته شده از نسل بهترین سالله.

درباره سنّ شریف وی به هنگام شهادت، اختلاف وجود دارد؛ به طوری که در منابع تاریخی و مقاتل، سن ۱۸، ۱۹، ۲۵ و ۲۸ سال ذکر شده است (مفید، ۱۴۱۴: ۴۵۹). درباره این که وی از امام زین العابدین علیه السلام، بزرگ تر یا کوچک تر بود، میان مورخان اتفافی نیست؛ اما از امام زین العابدین علیه السلام روایتی نقل شده که بر بزرگ تربودن وی از امام سجاد علیه السلام از جهت سنی دلالت دارد. آن حضرت فرمود:

كان لي اخ يقال له عليّ اكبر منّي قتله الناس؛ (ازدی کوفی، ۱۴۱۷: ۲۶۵)
برای من برادری به نام علی بود که بزرگ تر از من بود و مردم او را کشتند.

۲. شخصیت ایمانی حضرت علی اکبر علیه السلام

درباره مقام معنوی و شخصیت ایمانی حضرت علی اکبر علیه السلام نقل قول های بسیاری هست؛ اما بهترین سخن در خصوص فضایل ایشان، توصیفات امام حسین علیه السلام از فرزند خویش است:

الف) در توقفگاهی به نام «بنی مقاتل»، امام حسین علیه السلام را خواب سبکی فراگرفت که پس از آن، آیه استرجاع بر زبان جاری کرد. درگفت وگویی که بین پدر و پسر رخ داد، علی اکبر علیه السلام عرض کرد: «ای پدر! وقتی برحق بودن ما قطعی است، دیگر از مرگ در راه آن باکی نداریم». هنگامی که امام علیه السلام چنین معرفتی را از پسر دید، فرمود: «خدایت پاداشی نیکو عطا کند! نیکوترین پاداش که باید فرزندی از پدر دریافت نماید» (سماوی، ۱۴۱۹: ۸۶؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲/ ۸۲؛ ابن اثیر، ۱۴۱۱: ۴/ ۵۳؛ مجلسی، ۱۴۱۱: ۷۵؛ کوفی، ۱۴۱۱: ۸۷۳). این چنین دلداری دادن به امام معصوم که سبب شادی و خرسندی او گردد، گواه معرفت و درک والای این جوان است.

ب) حضرت امام حسین علیه السلام به هنگام بدرقه جوانش به سوی میدان، این آیه را تلاوت فرمود:

﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾. (آل عمران: ۳۳)

با توجه به مفاد این آیه، مقام خاندان نبوت و شجره طیبه اش برای علی اکبر علیه السلام به اثبات می‌رسد. جایگاه ویژه ایشان نزد امام حسین علیه السلام تا بدان جااست که وقت شهادت فرزندش، زندگی پس از او را فنا و مرگ می‌داند (ابن حیون، ۱۴۰۹: ۳/ ۱۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵/ ۴۴).

۳. اعتبار مصدری زیارت‌نامه علی اکبر علیه السلام

این زیارت‌نامه در کتاب کهن کامل‌الزیارات نقل شده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۳۹). نجاشی از این کتاب با عنوان «الزیارات» و شیخ طوسی در کتاب الفهرست از آن با عنوان «جامع‌الزیارات» یاد کرده، ولی مشهورترین نام آن، «کامل‌الزیارة» است (تهرانی، ۱۴۲۰: ۲۵۵/ ۱۷). همچنین مرحوم مجلسی نیز این زیارت‌نامه را در کتاب بحارالانوار به نقل از همین کتاب کامل‌الزیارات آورده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۸/ ۱۷۳).

مؤلف کتاب کامل‌الزیارات، ابی‌القاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه، در گذشته سال ۳۶۷ یا ۳۶۸ ق است (تهرانی، ۱۴۲۰: ۲۵۵/ ۱۷).

ابن قولویه توسط بزرگان علم رجال از جمله نجاشی و شیخ طوسی، مدح و توثیق شده است. نجاشی درباره او می‌گوید:

ابوالقاسم بن قولویه از بزرگان اصحاب ما و از بزرگان ثقه در حدیث و از بزرگان در فقه بود. ... هر چه شما درباره مردم از نیکویی‌ها و زیبایی‌ها بگویید، ابن قولویه فوق آن است. (نجاشی، ۱۲۳: ۱۴۰۷)

شیخ طوسی درباره ابن قولویه می‌گوید:

جعفر بن محمد بن قولویه قمی ملقب به ابوالقاسم، فردی ثقه است که به تعداد ابواب فقه تألیفات دارد. (طوسی، بی تا: ۱۰۹)

با استناد به کلام مرحوم ابن قولویه مبنی بر عدم نقل از غیر ثقات در اول کتابش (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۴) می‌توان قائل شد که همه روایات این کتاب صحیح‌السنندند. البته زیارت‌نامه مورد بحث، از لحاظ سندی توسط راویان بسیار جلیل‌القدر و موثقی همچون ابی حمزه ثمالی، علی بن مهزیار و فرزندان بزرگوارشان نقل شده است.

۴. متن و ترجمه زیارت‌نامه

حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَسْكَرِيُّ وَمُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً
عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام ... فَهُوَ عِنْدَ رَجُلٍ الْحُسَيْنِ
فَإِذَا وَقَفْتَ عَلَيْهِ فَقُلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ - وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَإِنَّ
خَلِيفَةَ رَسُولِ اللَّهِ وَإِبْنَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ مُضَاعَفَةٌ كُلَّمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ
أَوْ غَرَبَتْ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي مِنْ مَذْبُوحٍ وَمَقْتُولٍ
مِنْ غَيْرِ جُرْمٍ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي دَمَكَ الْمُزْتَقَى بِهِ إِلَى حَبِيبِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي مِنْ
مُقَدَّمِ بَيْنَ يَدَيِ أَبِيكَ يَحْتَسِبُكَ وَيَبْكِي عَلَيْكَ مُحْتَرِقاً عَلَيْكَ قَلْبُهُ يَرْفَعُ دَمَكَ
بِكَفِّهِ إِلَى أَعْنَانِ السَّمَاءِ - لَا يَزِجُ مِنْهُ قَطْرَةٌ وَلَا تَسْكُنُ عَلَيْكَ مِنْ أَبِيكَ زَفْرَةٌ
وَدَعَاكَ لِلْفِرَاقِ - فَكَانَتْكُمَا عِنْدَ اللَّهِ مَعَ آبَائِكَ الْمَنَاصِينِ وَمَعَ أُمَّهَاتِكَ فِي الْجَنَانِ
مُعْتَمِرِينَ - أُبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ قَتْلِكَ وَدَجْحِكَ ثُمَّ انْكَبَّ عَلَى الْقَبْرِ وَضَعَ يَدَيْكَ [بِيدِكَ]
عَلَيْهِ وَقُلِ سَلَامٌ اللَّهُ وَسَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُزْسَلِينَ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى عَشْرَتِكَ وَ
 أَهْلِ بَيْتِكَ وَأَبَائِكَ وَأَبْنَائِكَ وَأُمَّهَاتِكَ وَأُمَّهَاتِكَ الْأَخْيَارِ الْأَجْرَارِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ
 الرِّجْسَ وَظَهَّرَهُمْ تَظْهِيراً. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ
 الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ اسْتَحَفَّ بِحَقِّكَمْ وَ
 قَتَلَكُمْ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَقِيَ مِنْهُمْ وَمَنْ مَضَى نَفْسِي فِدَاؤُكُمْ وَلِمَضَّجِعِكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ
 وَسَلَّم تَسْلِيماً كَثِيراً. ثُمَّ صَعَّ خَدَّكَ عَلَى الْقَبْرِ وَقُلْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ
 ثَلَاثاً يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي أَتَيْتُكَ زَائِراً وَفِدَاً عَائِداً مِمَّا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي وَاحْتَضَبْتُ عَلَى
 ظَهْرِي - أَشْأَلُ اللَّهَ وَلِيِّكَ وَوَلِيَّيَ أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِكَ عِشْقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ
 تَدْعُوياً أَحَبَّتْ؛ (ابن قولويه، ۱۳۵۶: ۲۳۹)

ای فرزند رسول خدا و ای فرزند جانشین رسول خدا و ای فرزند دختر رسول خدا،
 سلام بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو باد، هر دم که خورشید طلوع و غروب کند.
 سلام بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

پدر و مادرم فدای تو ای سربریده ای کشته بی گناه، پدر و مادرم فدای خون تو که
 به سوی حبیب خدا (پیامبر) اوج گرفت. پدر و مادرم فدای تو که پدرت تو را
 (مانند هدیه ای گران بها) با دستان خود (برای خدا) تقدیم کرد، در حالی که بر تو
 می گریست و دل می سوزاند و خون تو را به سوی آسمان می پاشید و قطره ای از آن
 باز نمی گشت و پدرت از گریه آرام نگرفت، هنگامی که تو را وداع می گفت. پس
 جایگاه شما نزد خدا، با پدران و مادرانتان، در بهشت و برخوردار از نعمت های
 بهشتی است. به سوی خدا دوری می جویم از آن که تو را کشت و تو را سربرید.

سلام خدا و رحمت و برکات او و سلام فرشتگان مقرب و پیامبران و بندگان
 شایسته خدا بر تو ای مولا و فرزند مولا من. درود خدا بر تو بر عترت و خاندان و
 پدران و فرزندان و مادران تو که شایسته و نیک بودند و خداوند هرگونه پلیدی را از
 آنان دور ساخت و آنان را پاکیزه و طاهر گردانید. سلام بر تو ای فرزند رسول خدا و
 ای فرزند امیرالمؤمنین و ای فرزند حسین بن علی و رحمت و برکات خدا بر تو.

خداوند لعنت کند کسی که با تو جنگید و کسی که حق شما را نادیده گرفت و
 شما را کشت. و تمام رفتگان و زندگان آنان را خدا لعنت کند. جانم به فدای شما
 و مرقد شما. درود و سلام فراوان خدا بر شما باد.

درود خدا بر توای اباالحسن، پدر و مادرم به فدایت، به سوی تو آمدم و تورا زیارت می‌کنم و از جنایت‌هایی که بر نفس خود روا داشته‌ام و گناهانی که بر دوش خود حمل کرده‌ام به تو پناه می‌آورم. از خداوند که ولی تو و ولی من است می‌خواهم که بهره مرا از زیارتت نجات از آتش دوزخ قرار دهد.

۵. تحلیل گزیده‌هایی از زیارت‌نامه

در این بخش، به تحلیل گزیده‌هایی از این زیارت‌نامه می‌پردازیم:

۵-۱. معجزه خون در کربلا

چنان که از عبارت «يَرْفَعُ دَمَكَ بِكَفِّهِ إِلَىٰ أَعْنَانِ السَّمَاءِ، لَا يَرْجِعُ مِنْهُ...» برمی‌آید، امام حسین علیه السلام با قرار گرفتن بر بالین علی اکبر علیه السلام هنگام شهادتش، مقداری از خون بدن ایشان را در دست‌هایش جمع کرد و به سوی آسمان پرتاب نمود و از آن خون، برخلاف قوانین طبیعت، دیگر خونی به زمین برنگشت. این اتفاق، از کرامت و معجزه‌ای از سوی امام علیه السلام حکایت دارد.

۵-۱-۱. گزارش‌های تاریخی

درباره پاشیدن خون به آسمان در واقعه عاشورا توسط امام حسین علیه السلام به سه نفر اشاره شده است: اول، جناب علی اکبر علیه السلام؛ دوم، طفل شیرخواره علی اصغر علیه السلام و سوم، خود حضرت سیدالشهدا علیه السلام. مقتل الحسین ابن مرقم، لحظه آخر شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام را این چنین نقل می‌کند:

... سپس دست خود را از خون طاهر او پر کرد و به آسمان پاشید؛ یک قطره از آن فرود نیامد. (مرقم، ۱۳۸۷: ۱۲۸)

۵-۱-۲. فلسفه خون پاشیدن به آسمان

به نظر می‌رسد هدف امام حسین علیه السلام برای چنین عملی این بود که هرچه صحنه کربلا را خونین‌تر جلوه می‌دادند، صدای او نیز بیشتر به گوش جهانیان می‌رسید؛ چنان که شهید مطهری می‌گوید:



امام حسین علیه السلام پیام خونین خودش را روی صفحه لرزان هوا ثبت کرد، ولی چون توأم با خون و رنگ قرمز بود، در دل ها حک شد. امروز شما میلیون ها افراد از عرب و عجم را می بینید که پیام امام حسین را می دانند: «أَتَى لِأَزَى الْمَوْتِ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَيْمًا». (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۷/۱۵۰)

البته می توان به فلسفه خون پاشیدن به آسمان از سوی امام حسین علیه السلام به اموری همچون بیدار کردن وجدان های خفته از راه این اعجاز، نماد فرستادن خون قربانی به سوی خداوند، ثبت در تاریخ و... اشاره کرد.

۵-۲. تولی و تبزی

در این فراز از زیارت نامه حضرت علی اکبر علیه السلام این گونه ایشان را خطاب می کنیم:

أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِمَّنْ قَتَلَكَ وَذَبَحَكَ؛

به سوی خدا دوری می جویم از آن که تو را کشت و تو را سر برید.

از جمله موضوعات اعتقادی در اسلام، «تولی» و «تبزی» به معنای دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خداست.

از نظر اسلام، حیات و سعادت فرد مسلمان و امت اسلامی در گرو شناخت فریضه «تولی و تبزی» و التزام به آن است. در سیره پیشوایان الهی، اهمیت تولی نسبت به اهل بیت علیهم السلام و دوستان و پیروان آنان و تبزی نسبت به کفار و دشمنان آنان مشاهده می شود. همچنین در اسلام، تولی و تبزی تا آن جا اهمیت دارد که از عقیده صرف خارج شده و به فریضه تبدیل گشته است. لذا این دواصل، از جمله فروع دین نیز محسوب می گردند (طیب، ۱۳۸۷: ۶/۲۹۶).

۵-۲-۱. معانی لغوی تولی و تبزی

تولی بروزن ترقی، مصدر باب تفعّل از ماده «ولّی» و در لغت به معنای پذیرش ولایت و کسی را ولیّ خود قرار دادن است. «ولّی» در زبان عرب به معنای دوست، یا ورو سرپرست آمده است؛ چنان که مصدر آن - ولایت - نیز به معنای دوستی، یا وری و سرپرستی به کار رفته است. بنابراین، تولی هم می تواند به معنای پذیرش دوستی و کسی را دوست خود قرار

دادن باشد و هم به معنای پذیرش سرپرستی و کسی را سرپرست خود قرار دادن. اما با توجه به موارد به کار رفتن این کلمه در آیات و روایات، می توان گفت دوستی و سرپرستی لازم و ملزوم یکدیگرند و پذیرش دوستی، مقدمه پذیرش سرپرستی است؛ چرا که دل سپردن، مقدمه سرسپردن است و انسان تا به کسی دل نبندد، نمی تواند سرسپرده او شود و چنان که باید و شاید تسلیم او گردد.

«تبری» نیز بر همان وزن و از همان مصدر از ماده «برء» و به معنای بیزاری جستن، بیزار شدن و دوری گزیدن آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۵/۴۰۷؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۴۷؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۴/۵۷۵، ماده تبری).

۲-۲-۵. معنای اصطلاحی تولی و تبری

تولی و تبری، یعنی انسان از لحاظ عاطفی، قلب خود را از محبت و علاقه خدا، پیامبران و ائمه معصوم و علمای راستین دین و مؤمنان واقعی پر کند و در عین حال، بغض و کینه دشمنان آنها را به دل بگیرد و از نظر سیاسی و اجتماعی، سرپرستی، رهبری، دوستی و حکومت الهی را بپذیرد و از حکومت دشمنان اسلام دوری جوید (شکوری، ۱۳۹۴: ۴۲۹).

۳-۲-۵. تولی و تبری در نزد شیعه و اهل تسنن

تولی و تبری، مورد تأیید شیعه و اهل تسنن است، اگرچه در تعیین مصادیق آن اختلاف نظرهایی وجود دارد؛ اما در مجموع، احادیث فراوانی در کتب اسلامی اعم از شیعه و اهل تسنن در زمینه تولی و تبری نقل شده است. در این جا به بخشی از این احادیث اشاره می شود:

الف) در حدیثی از رسول خدا نقل شده است که فرمود:

أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ، وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ، وَتَوَالِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، وَالتَّبَرُّي مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ؛ (کلینی، ۱۴۲۹: ۳/۳۲۵)

محکم ترین دستگیره ایمان، دوست داشتن برای خدا، دشمن داشتن برای خدا و دوستی کردن اولیای الهی و دوری جستن از دشمنان خداست.

ب) در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

قِيلَ لِلصَّادِقِ علیه السلام: إِنَّ فُلَانًا يُؤَالِيكُمْ إِلَّا أَنَّهُ يَضْعُفُ عَنِ الْبِرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّكُمْ. فَقَالَ:

هَيْهَاتَ! كَذَبَ مَنْ ادَّعَى مَحَبَّتَنَا وَلَمْ يَتَبَرَّأْ مِنْ عَدُوِّنَا؛ (مجلسی، ۲۷: ۳/۱۴/۵۸)

به امام صادق علیه السلام عرض شد: شخصی شما را دوست دارد، اما در برائت از دشمن شما ضعیف است. حضرت فرمود: هرگز چنین نیست! دروغ می گوید هر کس که ادعا می کند دوستدار ماست، ولی از دشمن ما بیزار نمی جوید.

با توجه به حدیث فوق، تولی و تبری باید همراه هم باشند. تبری می تواند به عنوان معیاری بر راستی آزمایی تولی قرار گیرد و صرف ادعای محبت اهل بیت علیهم السلام بدون تبری از دشمنان آنها کفایت نمی کند.

ج) امام صادق علیه السلام در حدیثی دیگر می فرماید:

هر کس کافری را دوست دارد، خدا را دشمن داشته و هر کس کافری را دشمن دارد

خدا را دوست داشته است. [سپس فرمود:] دوستِ دشمن خدا، دشمن

خداست. (صدوق، ۱۳۷۶: ۶۰۵)

از این حدیث چنین به استنباط می شود که تولی و تبری کاملاً متناظر با هم عمل می کنند.

د) تولی و تبری از جمله اعتقادات اهل تسنن نیز به شمار می روند. به تعبیر فضل الله بن روزبهان - از دانشمندان اهل تسنن قرن نهم و دهم هجری - اهل سنت نیز بر آن اند که تولی پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او و تبری از دشمنان او، بر هر شخص مؤمن واجب است و کسی که ایشان را والی و متصرف امور خود نداند یا از دشمنان ایشان تبری نجوید، مؤمن نیست (خنجی اصفهانی، ۱۴۱۷: ۳۰۰).

ه) در حدیثی دیگر، هیثمی - از علمای اهل سنت - از علی بن الحسین علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمود:

مَنْ أَحَبَّنَا لِلدُّنْيَا فَإِنَّ صَاحِبَ الدُّنْيَا أَحَبُّهُ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ، مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ كُنَّا نَحْنُ وَهُوَ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ كَهَاتَيْنِ وَإِشَارِيَا صَبَّغَهُ السَّبَابَةَ وَالْوَسْطَى؛ (هیثمی، ۱۴۱۴: ۱۰/۲۸۱)

کسی که ما را برای دنیا دوست بدارد، [ارزشی ندارد؛ چون] نیکوکار و بدکار، دنیا را دوست دارند. و کسی که ما را برای خدا دوست بدارد، ما او در کنار هم هستیم، مانند این دو [انگشت سبابه و وسط].

۴-۲-۵. مصادیق تولی و تبزی

تولی و تبزی از جهتی به حوزه قلب انسان مرتبط است و از سوی دیگر، این حب و بغض قلبی در اعمال و رفتار و زندگی ما نیز می‌تواند نمود داشته باشد. در این جا به بعضی از جلوه‌های تولی و تبزی در زندگی و رفتار انسان شیعه اشاره می‌شود:

الف) بزرگداشت مراسم‌های عزا و سرور اهل بیت علیهم‌السلام: مراسم‌های جشن و عزاداری برای اهل بیت علیهم‌السلام در واقع تنها یک مراسم شاد یا غم‌انگیز و گریه‌آور نیست؛ بلکه این جلسات دارای ظاهری آشکار و باطنی پرمعنا هستند. کسانی که در این جلسات شرکت می‌کنند، در مرتبه اول محبت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و فرزندان پاک و مطهر آنها باعث شده که در این جلسات شرکت کنند و ادامه دهنده راه و آرمان‌های مقدس‌شان باشند و در مرتبه دوم، با تبزی از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام و اعمال آنان، مسیر خود را از دشمنان خاندان نبوت جدا کنند.

اگر در روایات بر اعمالی ساده مانند صلوات فرستادن تأکید شده بدین جهت است که صلوات شعار و نماد اظهار تولی به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خاندان مطهرش است که باید ترویج و حفظ شود.

ب) نام‌گذاری‌ها: دشمنان اسلام همواره از تجلیات اسلامی هراس داشته‌اند، مثلاً معاویه بخش نامه کرده بود اگر در خانه‌ای بچه‌ای به دنیا بیاید و اسمش را علی بگذارند آن خانه را بر سر ساکنینش خراب کنند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷ق: ج ۴ / ۲۱۰ الرقم ۵۵۸). در همین ایام نیز معاویه، مروان بن حکم را والی مدینه کرد و به او فرمان داد برای جوانان قریش، سهمیه‌ای از بیت المال قرار دهد؛ او نیز چنین کرد.

امام سجّاد، علی بن الحسین علیه‌السلام می‌فرماید: من به نزد اورفتم [تا حق خود را از بیت‌المال بگیرم]. مروان به من گفت: نامت چیست؟ گفتم: علی بن الحسین. پرسید: نام برادرت چیست؟ گفتم: علی! گفت: علی و علی؟! پدرت چه منظوری دارد که نام

همه فرزندان را علی می‌گذارد؟ سپس سهمیه مرا مشخص کرد. وقتی به نزد پدرم بازگشتم و ماجرا را بازگو نمودم، فرمود:

... لَوْ وُلِدَ لِي مِائَةٌ لَأَحْبَبْتُ أَنْ لَا أُسَمِّيَ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا عَلِيًّا؛ (کلینی، ۱۴۲۹: ۶/ ۱۹، ج ۷)
... اگر یکصد فرزند داشته باشم، دوست دارم جز «علی» نامی دیگر برای آنان انتخاب نکنم.

نکته قابل توجه این است که نام‌گذاری فرزندان به نام اهل بیت علیهم‌السلام از جمله راه‌های ترویج نام ایشان و اظهار محبت به آنان است که باید در سبک زندگی دینی مورد اهتمام قرار گیرد و در زندگی‌های مدرن و متأثر از فرهنگ‌های بیگانه، رنگ نبرد.

ج) زیارت اهل بیت علیهم‌السلام: یکی از مهم‌ترین مصادیق بارز عمل به تولی و تبری، زیارت قبور اهل بیت علیهم‌السلام است. این موضوع از آن جهت اهمیت مضاعف می‌یابد که بنا بر دستور صریح قرآن کریم «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳)، یک فرد مسلمان باید اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام را دوست بدارد و این دوستی را ابراز کند. یکی از بهترین راه‌ها برای ابراز محبت به ایشان، زیارت مزار شریف آن بزرگوران است که این تکریم امامان، ارتباط قلبی بین زائر و امام را تحکیم می‌بخشد. از این روست که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَشِيعَتِهِ وَانْ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ زِيَارَةُ قُبُورِهِمْ
فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَتَصَدِيقًا بِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَتْ لَهُمْ شَفَعَاتُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ (حر
عاملی، ۱۴۰۹: ۱۰/ ۲۵۳)

برای هر امامی به گردن شیعیان و هواداران‌شان پیمانی است. از جمله وفا به این پیمان، زیارت قبور آنان است. پس هر کس از روی رغبت و پذیرش، آنان را زیارت کند، امامان در قیامت شفیعان آنان (او) خواهند بود.

از مجموع روایات استحباب زیارت اهل بیت علیهم‌السلام و اهتمام گذشتگان بر نگارش کتاب‌های زیارات و ترویج فرهنگ زیارت، درمی‌یابیم که بهترین راه برای ابراز دوستی نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام و اظهار نفرت و بیزاری از دشمنان آنها، زیارت مزار و مرقد آنان است؛ چه بسا مخالفت دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام با بنای بر قبور و زیارت آنها با اتهام شرک و

منع از برگزاری جلسات اعیاد و وفیات آنها با برچسب بدعت، بدین روست که نام و یاد اهل بیت علیهم السلام به فراموشی سپرده شود که این فکرا امتداد خط فکری بنی امیه است. از این روشیعیان باید با حفظ فرهنگ زیارت و دوری جستن از بدعت‌ها، خرافات و اموری که موجب وهن شیعه می‌شود، در راه اعتلای فرهنگ ناب زیارت بکوشند.

۳-۵. اولاد داشتن حضرت علی اکبر علیه السلام

امام صادق علیه السلام در فرازی دیگر از زیارت‌نامه حضرت علی اکبر علیه السلام می‌فرماید:

صَلِّ اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ ثَلَاثًا؛

سه بار بگو: صلوات خدا بر تو باد ای ابوالحسن!

مسئله این بخش از زیارت‌نامه این است که آیا حضرت علی اکبر علیه السلام صاحب زن و فرزند بوده است؟

در این درباره دوقول وجود دارد:

۱. برخی گفته‌اند ایشان دارای فرزند نبوده و یا اعلام نظر نکرده‌اند (یعقوبی، بی تا: ۲/۲۴۶؛ طبری ۱۴۱۳: ۱۱/۵۲۰؛ هاشمی بصری، ۱۴۱۰: ۵/۱۶۳؛ اصفهانی، ۱۴۱۹: ۸۶)؛ چه بسا توجیه قائلان به فرزند نداشتن حضرت علی اکبر علیه السلام درباره کنیه «ابوالحسن» در زیارت‌نامه ایشان، این باشد که در عرب مرسوم بوده از کودکی برای شخص، کنیه‌ای از باب تیمّن و تفأل خیر و... می‌نهادند و علی اکبر علیه السلام نیز به کنیه جدّش حضرت علی علیه السلام مکّتی شد و ضرورت ندارد ایشان فرزندی به نام حسن داشته باشد تا ابوالحسن خطاب شود.

۲. بر اساس شواهدی که وجود دارد، گروهی دیگر وجود زن و فرزند را برای آن جناب ثابت کرده‌اند. برخی از این شواهد عبارت‌اند از:

الف) بزنتی می‌گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدم: آیا کسی می‌تواند با کنیزی که از پدرش فرزنددار شده، ازدواج کند؟ آن حضرت فرمود: اشکالی ندارد. گفتم: از پدرت شنیدم که فرمود امام سجاد علیه السلام علاوه بر ازدواج با دختر امام حسن علیه السلام با امّ ولد (کنیز صاحب فرزند) ایشان نیز ازدواج کرد... امام در پاسخ فرمود: این طور که گفتی نیست؛

امام سجاد علیه السلام با دختر امام حسن علیه السلام ازدواج کرد و نیز با ام ولد [کنیز صاحب فرزند] برادرش علی بن الحسین که در کربلا کشته شد نیز ازدواج نمود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۳ / ۴۶).

از منظر سندی، شخصیت‌های موجود در سند این روایت ثقه هستند؛ چراکه در سند این روایت، ابن عیسی معروف به ابی عقیل عمانی و بزنطی قرار دارند که هر دو ثقه و مورد تأیید رجالیون و محدثان هستند (طوسی، بی تا: ۱۹۴؛ خوئی، ۱۳۷۷: ۲۵/۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۰ / ۳۰۹).

ب) شاهد دیگر بر فرزنددار بودن حضرت علی اکبر علیه السلام همین زیارت‌نامه محل بحث است که امام صادق علیه السلام خطاب به علی اکبر علیه السلام می‌فرماید:

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى عَشْرَتِكَ وَأَهْلِ بَيْتِكَ وَأَبَائِكَ وَأُمَّهَاتِكَ وَالْأَخْيَارِ؛
درود خدا بر تو، بر عترت و خاندان و پدران و فرزندان و مادران شایسته تو.

امام علیه السلام در این بخش، عبارت «ابنائک» یعنی «فرزندان تو» را آورده است. این واژه می‌تواند شاهدی بر فرزند داشتن حضرت علی اکبر علیه السلام باشد.

ج) اگر ثابت شود که حضرت علی اکبر علیه السلام بزرگ‌تر از امام سجاد علیه السلام بوده است - که قرائن این مسئله را تأیید می‌کنند - باید صاحب زن و چه بسا فرزند باشد؛ چراکه امام سجاد علیه السلام در کربلا صاحب یک فرزند چهارساله (امام باقر علیه السلام) است. با توجه به اهتمام اهل بیت علیهم السلام به سنت ازدواج، بعید به نظر می‌رسد حضرت علی اکبر علیه السلام در حالی که بزرگ‌تر از امام سجاد علیه السلام بوده، ازدواج نکرده باشد.

هر چند از لحاظ تاریخی، مستندی قوی برای فرزند داشتن حضرت علی اکبر علیه السلام یافت نشد، اما اظهار نظر قطعی در این موضوع، تحقیق و جست‌وجویی و چه بسا مقاله‌ای را می‌طلبد.

۴-۵. زیارت مایه آمرزش گناهان

در فقرات پایانی این زیارت‌نامه چنین می‌خوانیم:

أَتَيْتُكَ زَائِراً وَافِئاً عَائِداً مِمَّا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي. وَاخْتَطَبْتُ عَلَى ظَهْرِي أَسْأَلُ اللَّهَ

وَلِيكَ وَوَلِيَّيْ أَنْ يَجْعَلَ حِطِّي مِنْ زِيَارَتِكَ عِثْقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

به سوی تو آمده‌ام تا تو را زیارت کنم و به تو پناه برم از جنایاتی که مرتکب شده‌ام و گناهانی که بردوش خود حمل می‌کنم، از خداوند ولی تو و ولی خود می‌خواهم که بهره و نصیب من از زیارت تو را رهایی از آتش دوزخ قرار دهد.

به راستی رابطه میان زیارت کردن اهل بیت علیهم‌السلام و آمرزش و پاک شدن از گناهان چیست؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت اگر زیارت با شرایطی که گفته شده انجام شود، می‌تواند مایه آمرزش گناهان گردد و البته به شرایطی از سوی زائر، زیارت شونده، نوع گناهان و سایر عوامل بستگی دارد. اگرچه بررسی این شرایط و عوامل، خود نوشتاری مستقل می‌طلبد، اما در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱-۴-۵. معرفت، شرط زیارت

در روایات، یکی از شروط آمرزش از گناهان به واسطه زیارت، معرفت به امام و معصوم زیارت شده، شمرده شده است. امام موسی کاظم علیه‌السلام درباره زائر امام حسین علیه‌السلام می‌فرماید:

أَذْنِي مَا يُثَابُ بِهِ زَائِرُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام بِسَطْرِ الْفُرَاتِ إِذَا عَرَفَ حَقَّهُ وَحُرْمَتَهُ وَوَلَايَتَهُ أَنْ يُعْفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ

کمترین چیزی که از ثواب، به زائر ابا عبد الله علیه‌السلام در کنار نهر فرات داده می‌شود، آن‌گاه که حق و حرمت و ولایت او را بشناسد، این است که آن چه از گناهان پیش فرستاده و بعداً می‌فرستد (گناهان گذشته و آینده او) آمرزیده می‌شود. (کلینی،

۱۴۲۹: ۴/۵۸۲)

بنابراین با توجه به روایت فوق و سایر روایات مشابه، اگر زیارت اولیای الهی با معرفت به حق و جایگاه ایشان و التزام به راه و سیره آنان باشد، سبب آمرزش گناهان خواهد شد.

۲-۴-۵. دعای شخص زیارت شونده

در برخی روایات، علت آمرزش گناهان برای فرد زائرا دعای آن ولی الله در شخص زوارش بر شمرده‌اند. محمد بن مسلم در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام چنین نقل می‌کند:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام جَعَفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه‌السلام يَقُولُ إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه‌السلام عِنْدَ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ

يَنْظُرُ إِلَى مَوْضِعِ مُعَسِّكِرِهِ وَمَنْ حَلَّهُ مِنَ الشَّهَدَاءِ مَعَهُ وَيَنْظُرُ إِلَى زُورَاهِ وَهُوَ أَعْرَفُ بِهِمْ
وَبِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَدَرَجَاتِهِمْ وَمَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَحَدِكُمْ بِوَلَدِهِ وَإِنَّهُ
لَيَبْرَى مَنْ سَكَنَهُ فَيَسْتَغْفِرُ لَهُ وَيَسْأَلُ آبَاءَهُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لَهُ وَيَقُولُ لَوْ يَعْلَمُ زَائِرِي
مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ لَكَانَ فَرْحُهُ أَكْثَرَ مِنْ غَمِّهِ وَإِنْ زَائِرُهُ لَيَنْقَلِبُ وَمَا عَلَيْهِ مِنْ ذَنْبٍ؛ (حر
عاملی، ۱۴۰۹: ۱۴/۴۲۳)

شنیدم امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرمود: همانا حسین بن علی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از نزد پروردگارش به
موضع اردوگاهش و محلی که شهدا با او قرار دارند نگاه می کند و به زائرانش نیز نظر
می اندازد، در حالی که به خوبی آنها را و نام هایشان و نام پدرانشان و درجات آنها و
منزلت آنها را نزد خداوند، بهتر از احدی از شما نسبت به فرزندانش می شناسد و
به درستی که امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ می بینید چه کسی [برای زیارت] ساکن کربلا شده و
برای او استغفار می کند و از پدران بزرگوارش می خواهد برای او استغفار کنند و
می فرماید: اگر زائر من می دانست آن چه را که خداوند برای او مهیا نموده است،
شادی اش بیشتر از غمش می شد. و همانا زائر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ از زیارت برمی
گردد، در حالی که هیچ گناهی بر او باقی نمی ماند.

با توجه به مفاد حدیث فوق، اگر زائر، شرایط استجاب دعاى امام زیارت شونده را
دشته باشد، زیارت آن امام و دعاى ایشان می تواند موجب آمرزش گناهان باشد.

۳-۴-۵. فضای معنوی اماکن زیارتی

از آن جا که بارگاه ملکوتی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ محل رفت و آمد فرشتگان الهی، تضرع و
عبادات بندگان صالح خداوند و قرائت قرآن و مناجات ها و ادعیه است، فضایی معنوی
وقدسی دارد. بدیهی است اگر زائر با مقدمات و شرایط لازم در چنین مکانی توبه کند و
زیارت شونده را واسطه قرار دهد، گناهانش آمرزیده خواهد شد. در روایتی امام هادی عَلَيْهِ السَّلَامُ
زیارت قبر جدش علی بن موسی الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ را این گونه ترسیم می فرماید:

... مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيُزِرْ قَبْرَ جَدِّي الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِطُوسٍ وَهُوَ عَلَى غُسْلٍ وَ
لْيُصَلِّ عِنْدَ رَأْسِهِ رُكْعَتَيْنِ وَيَسْأَلِ اللَّهَ حَاجَتَهُ فِي قُبُورِهِ فَإِنَّهُ يَسْتَجِيبُ لَهُ مَا لَمْ يَسْأَلْ
فِي مَائِمٍ أَوْ قَطِيعَةٍ رَحِمٍ وَإِنَّ مَوْضِعَ قَبْرِهِ لِبُقْعَةٍ مِنْ بَقَاعِ الْجَنَّةِ لَا يَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أَعْتَقَهُ
اللَّهُ مِنَ النَّارِ وَأَحَلَّهُ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ؛ (صدوق، ۱۳۷۸: ۲/۲۶۲)

هرکس به سوی خداوند حاجتی دارد، به طوس به زیارت جدّم علیّ بن موسی الرضا علیه السلام رود و با غسل و طهارت باشد و بالای سر آن حضرت دو رکعت نماز گزارد. آن گاه در قنوت نماز از خداوند متعال حاجت خویش را طلب کند. خدا حاجتش را در صورتی که گناه یا قطع رحم نباشد برخواهد آورد. و به درستی که محلّ قبر آن حضرت یکی از کاخ‌های بهشت است و مؤمنی آن را زیارت نکند، جز آن که خداوند او را از آتش دوزخ آزاد نماید.

نکته‌ای که در باره آمرزش گناهان توسط زیارت معصومان علیهم السلام باید گفته شود این است که دانستیم زیارت امام با معرفت و استفاده فضای معنوی اماکن متبرّکه که زمینه‌ساز آمرزش گناهان است؛ اما این به صورت مطلق نیست. برخی گناهان مانند قطع صله ارحام، تضييع حقوق دیگران - اعم از مالی و غیر مالی، مثل ریختن آبروی افراد - که باید جبران شوند و این گونه نیست که هر گناهی با توبه تنها در اماکن مقدّس بخشیده شود. جبران هر گناه، به تناسب نوع آن است. برای آمرزش برخی گناهان مانند حقّ الثّاس، باید علاوه بر توبه، صاحبان حقّ را نیز راضی کرد. لذا در این نوع گناهان، توبه به تنهایی کفایت نمی‌کند و از شرایط پذیرش توبه، ادای دیون است.

۶. نتیجه‌گیری

شخصیت جناب علی اکبر علیه السلام آن قدر منزلت دارد که امام صادق علیه السلام در خلال تعلیم زیارت امام حسین علیه السلام زیارت ایشان را نیز یاد آوری کرده و چگونگی زیارتش را به ما می‌آموزد. همان گونه که گفته شد، این زیارت نامه دارای مضامینی بلند همچون معجزه خون در کربلا، تولّی و تبزّی، احتمال اولاد داشتن حضرت علی اکبر علیه السلام و آمرزش گناهان از راه زیارت بود. اگرچه این موارد، تمامی مضامین این زیارت نامه نیست، اما به حسب وسع این نوشتار به مهم‌ترین آنها پرداخته شد.

از مجموع زیارت نامه حضرت علی اکبر علیه السلام و سایر زیارت نامه‌های امامان معصوم علیهم السلام می‌توان چنین نتیجه گرفت که این زیارت نامه‌ها گنجینه‌ای از معارف دینی در حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی هستند که جای دارد مورد کاوش و تحلیل قرار گیرند.

کتابنامه

- ابن اثیر، علی بن محمد (بی تا)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۸ش)، *التهوف علی قتلی الطفوف*، ترجمه: عقیقی بخشایشی، قم، دفتر نشر نوید اسلام، چاپ پنجم.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش)، *کامل الزیارات*، نجف اشرف، بی نا، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، بی نا، چاپ سوم.
- ازدی، ابی مخنف لوط بن یحیی (۱۴۲۷ق)، *وقعة الطف*، تحقیق: محمد هادی الیوسفی الغروی، قم، *المجمع العالمی لاهل البيت علیهم السلام*، چاپ دوم.
- اصفهانی، ابوالفرج علی بن الحسین (۱۴۱۹ق)، *مقاتل الطالبیین*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- اصفهانی، ابونعیم احمد بن عبدالله (۱۳۹۴ق)، *حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء*، مصر، بی نا.
- تهرانی، محمد محسن آقا بزگ (بی تا)، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، بیروت، دارالاضواء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، قم، بی نا، چاپ اول.
- خنجی اصفهانی، فضل الله بن روزبهان (۱۴۱۷ق)، *وسیلة الخادم الی المخدم*، ترجمه: نثار احمد زین پوری، به کوشش: رسول جعفریان، قم، انتشارات انصاریان.
- خوارزمی، ابی المؤید (۱۴۱۸ق)، *مقتل الحسین علیهم السلام*، تحقیق: محمد السماوی، قم، انوار الهدی.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۲ش)، *معجم رجال الحدیث*، قم، انتشارات الثقافة الاسلامیة فی العالم.
- دهنخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، *لغتنامه*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دهم.
- سماوی، محمد (۱۴۱۹ق)، *ابصار العین فی أنصار الامام حسین علیهم السلام*، قم، مرکز الدراسات الاسلامیة لممثلیه الولی الفقیه فی حرس الثورة الاسلامیة.
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۹۴ش)، *فقه سیاسی اسلام*، تهران، انتشارات نورا، چاپ اول.

- صدوق، محمد بن علی (١٣٧٨ق)، عیون أخبار الرضا عليه السلام، تهران، بی نا، چاپ اول.
- صدوق، محمد بن علی (١٣٨٥ش)، علل الشرائع، قم، بی نا، چاپ اول.
- صدوق، محمد بن علی (١٣٧٦ش)، الأملی، تهران، بی نا، چاپ ششم.
- طبری، محمد بن جریر (١٤١٣ق)، تاریخ الطبری (تاریخ الامم والملوک)، انتشارات بیروت، مؤسسه عزالدین.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (بی تا)، الفهرست، تصحیح و تعلیق: محمد صادق بحر العلوم، نجف اشرف، المكتبة الرضویة و مطبعتها.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (بی تا)، فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، قم، انتشارات مكتبة المحقق الطباطبائی.
- طیب، سید عبدالحسین (١٣٨٧ش)، أظیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم.
- عسقلانی، ابن حجر شهاب الدین احمد بن علی (١٤٠٧ق)، لسان المیزان، بیروت، انتشارات دارالفکر.
- فیومی، احمد بن محمد (١٤١٤ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، چاپ دوم.
- کشی، محمد بن عمر (١٤٠٤ق)، اختیار معرفة الرجال، قم، انتشارات مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- کلینی، محمد بن یعقوب (١٤٢٩ق)، کافی، قم، دار الحدیث، چاپ اول.
- کوفی، ابن اعثم محمد بن علی (١٤١١ق)، الفتوح، بیروت، انتشارات دارالاضواء.
- مجلسی، محمد باقر (١٤١١ق)، المختار من مقتل بحار الانوار، قم، انتشارات مجمع الفکر الاسلامی، چاپ اول.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (١٤٠٣ق)، بحار الأنوار، بیروت، بی نا، چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی (١٣٨٤ش)، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا.
- مغربی، ابن حیون نعمان بن محمد (١٣٨٥ق)، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، تحقیق و تصحیح: آصف فیضی، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.

- چاپ دوم.
- مغربی، ابن حیون نعمان بن محمد (۱۴۰۹ق)، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، قم، بی نا، چاپ اول.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله على العباد، قم، بی نا، چاپ اول.
- مقرم، عبدالرزاق (۱۳۸۷ش)، مقتل مقرم، ترجمه: قربانعلی مخدومی، قم، انتشارات نصایح.
- نجاشی، ابوالحسن احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، رجال النجاشی، فهرست أسماء مصنفی الشيعة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- هاشمی بصری، محمد بن سعد بن منیع (۱۴۱۰ق)، الطبقات الكبرى، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
- هیثمی، ابوالحسن نور الدین علی بن ابی بکر بن سلیمان (۱۴۱۴ق)، مجمع الزوائد، تحقیق: حسام الدین القدسی، قاهره، مکتبة القدسی.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی تا)، تاریخ الیعقوبی، بیروت، انتشارات دار صادر.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی